

نگاه روزنامه نگار

بر خورد دو گانه اقلیت پرسرو صدا در باره اظهارات نماینده قم در اعتراض به یک بازجویی



پریسا هاشمی

گزارشگر پارلمانی هم‌میهن

«خاک برسر تان با این اسلام‌تان»: این تیتیر مطلبی است که منان رئیسی، نماینده قم، به حمایت و برای اعلام شرایط مهری طالبی دارستانی استفاده کرده است. از اینکه اسلامی جدید برای خود تعریف کرده، فاکتور می‌گیرم. اما خانم دارستانی... خانم دارستانی در چند سال اخیر هر کاری که توانست کرد، از تهدید نیروی انتظامی به خودکشی گرفته تا هتاکي به سران قوا؛ به جز اژه‌ای که شاید جراتش را نداشته است. منان رئیسی اعلام کرده که پس از بازجویی «بی ادبانه» توسط برخی نیروهای امنیتی و قضایی، دارستانی دچار حمله عصبی و سکنه شده و حالا در بیمارستان به سر می‌برد. چقدر برای تندروها سخت است، تحمل آنچه دیگران سال‌هاست تحمل می‌کنند. چراکه آنها تاکنون مصونیت داشتند و هر جنجالی که دلشان خواسته به پا کرده‌اند؛ چون حاشیه امنی دورشان بوده و مانند حصاری از آنها محافظت کرده است. اما حالا ظاهراً بخشی از نظام هم به این نتیجه رسیده که باید حصار شکسته شود تا در عالم مساوات مشخص شود که این اقلیت پرسروصدا چند مردو حلاجند. البته نه مساوات کامل؛ اما ما اسمش را «مساوات» می‌گذاریم. جالب اینکه منان رئیسی این متن را با تأسیف و تحیر شروع کرده است؛ تحیری که مردم به‌ویژه فعالان سیاسی و دانشجویان دست‌کم از سال ۱۳۷۸ پشت سرگذاشته‌اند و مدام آن را تجربه کرده‌اند. در اعتراضات ۱۳۹۸ هیچ حیرتی باقی نماند و حاصل از بین رفتن ترس و حیرت شد اعتراضات سال ۱۴۰۱. با این وجود، مردم عادی هرگز نتوانستند همچون دارستانی در مقابل نیروی انتظامی عرض‌اندام کنند و از موضع قدرت کار خود را پیش ببرند. آن زمان که دارستانی خودزنی کرد تا چهره نیروی انتظامی را مخدوش کند، هیچ کدام از این تندروهای مجلس به او خرده نگرفتند، چون نیروی انتظامی در گشت‌های ارشاد فقط می‌توانست با همه مردم به جز حلقه خودی هرگونه رفتاری داشته باشد؛ رفتاری که نیروی انتظامی با دارستانی کرد، کجا و استرسی که به افراد دیگر وارد کرد، کجا. بله، آقای منان رئیسی! برای خیلی از دختران ما حوادثی رخ داد اما هیچ کدام از شماها حتی کتک‌تان نگزید... شمایی که حالا برای خانم هتاکي که سردمدار تحصن و راهپیمایی‌های غیرقانونی بوده، نگران هستید و از احضار ایشان برای پاسخگویی متحیر. شما اسلام بخش امنیتی را برای زنی زیر سوال بردید که اعتراض خود را اعتراض می‌داند، اما مطالبه بخش چشمگیری از جامعه را به هیچ می‌انگارد. آقای منان رئیسی! خبرنگاران این کشور برای نوشتن کلمه به کلمه مطالب‌شان زیر ذره‌بین هستند و هرازچندگاهی همین شرایطی که خانم دارستانی تحمل نکرد را متحمل می‌شوند، چراکه ظاهراً نباید آزادی پس از بیان داشته باشند. این آزادی پس از بیان متعلق به حلقه‌های خودی است. ما روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، دانشجویان، کارشناسان، فعالان سیاسی و حتی مردم عادی غیرخودِی‌هایی هستیم که با حق و حقوق مضحک در این حلقه نمی‌گنجیم، چون حصاری نداریم. باید همین شرایط (که برای خانم دارستانی بسیار تعدیل شده) را تحمل کنیم. آقای منان رئیسی باید تحقیق بیشتری کنید، قوه‌قضائیه اعلام کرده که این‌بار هم خانم دارستانی تمارض کرده است. البته از کسی که برای رسیدن به هدفش خودزنی می‌کند، هر کاری بر می‌آید. همین‌طور که داستان به تحقیق بند است، ببینید چند زندانی سیاسی با عنوان زندانی امنیتی داریم که اگر مصونیت و آزادی بیان افرادی امثال شما و خانم دارستانی را داشتند و برای رسیدن به هدف‌شان می‌توانستند از هر حربه و ابزاری قانونی و غیرقانونی استفاده کنند، حالا پشت حصارهای بلند اوین و دیگر زندان‌ها روزگار نمی‌گذرانند؟ بی‌زحمت وسط تحقیق‌های‌تان به خانواده‌های داغ‌دیده در اعتراضات مختلف هم سری بزنید. البته اگر سوز دلشان کمی التیام یافته بود و اجازه دادند از کنارشان رد شوید. آقای منان رئیسی! می‌بینید؟ مردم بسیاری هستند که خلاف قانون حرکت نمی‌کنند و می‌توانید از آنها بگویید؛ اما دلتان می‌خواهد همان‌طور که در دل مجلس فعالیت می‌کنید، از این بر خوردها با غیرخودِی‌ها همچنان دفاع کنید. خدا قبول کند.



نمی‌کنید.» نماینده قم خطاب به نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و قوه‌قضائیه، گفت: «آقایان امنیتی هنوز ۶ ماه از جنگ نگذشته و تعداد قابل توجهی از هم‌رم‌های شما در این جنگ به شهادت رسیده‌اند؛ جواب این شهدا رو چه می‌دهید؟ این چه وضعی است که برای مملکت درست کرده‌اید؟ درخصوص وزیر سابق که من عرض کردم یک اقلیتی را آلوده کرد چون قوه قضائیه و نهاد امنیتی به پرونده آن‌ها رسیدگی نکردند الان همه ما نمایندگان در مظان اتهام قرار گرفته‌ایم. آقای قوه قضائیه، آقای نهاد امنیتی این موارد را رسیدگی کنید. بررسی کنید، ببینیم ارز دولتی صرف نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی شده است یا صرف ورود کالایی لوکس و فلان موبایل و فلان قطعه خودرو ساز لوکس شده است؟ این کشتی که ما در آن نشسته‌ایم اگر خدایی ناکرده سوراخ شد و اگر کوتاهی کردید خدای تعال با هیچ‌کس عقد اخوت نبسته و سنت خدابر ما جاری خواهد شد. چرا فکر می‌کنید که چون مملکت، مملکت امام‌زمان است پس هر بلایی سر مردم بیاورید، هیچ اتفاقی نمی‌افتد.» محمدمنان رئیسی با اشاره به این که بیدار شوید، تأکید کرد: «مگر وضع معیشت مردم را نمی‌بینید؟ به جای اینکه گردن گردن کلفت‌ها و گنده‌لات‌های اقتصادی را بگیرید افتاده‌اید به جان چهار تا جریان انقلابی؟ این است توصیه رهبری؟ به چهار نفر هم که حرف می‌زنند، بر چسب می‌زنید تا صدای حق آن‌ها را خفه کنید.»

❖ قوه قضائیه تمارض دارستانی را تأیید کرد

پس از اظهار نظرهای نماینده قم، قوه‌قضائیه با انتشار اطلاعیه‌ای رسمی، ادعای مطرح‌شده درباره سکنه طالبی دارستانی، را نادرست دانست و تأکید کرد: «برخی مطالب منتشرشده در فضای مجازی و حتی در تریبون مجلس «خلاف واقع» بوده است. براساس این گزارش، چندی پیش شکایتی از سوی حراست برخی نهادهای مطرح و پس از ارجاع پرونده به عدلیه، موضوع برای بررسی به یکی از ضابطان قضایی سپرده شد. با تکمیل تحقیقات اولیه، ضابط پرونده چند نفر از جمله طالبی دارستانی را به عنوان «مطلع» فراخوانده اما وی از مراجعه خودداری کرده است. در ادامه، با هماهنگی مقام قضایی، تصمیم گرفته می‌شود که تحقیقات در ساختمان دادسرا انجام شود و فرد یادشده در تاریخ شانزدهم آذر برای ارائه توضیحات به دادسرا مراجعه می‌کند. روند تحقیق حدود یک ساعت و نیم به طول انجامید و او بلافاصله محل را ترک کرده است. یک روز بعد، این فعال اجتماعی با پای خود از منزل به بیمارستان مراجعه کرده و از مشکلات جسمی خبر می‌دهد. طبق مستندات ارائه‌شده، وی ساعت ۱۱:۱۴ روز دوشنبه هفدهم آذر ۱۴۰۴ تحت نظر پزشکان قرار گرفته و معاینات کامل پزشکی شامل ارزیابی قلب، عروق، مغز و اعصاب برای او انجام شده است. به گفته تیم پزشکی، «هیچ‌گونه علامت سکنه قلبی یا مغزی در وی مشاهده نشده و وضعیت بالینی او عادی گزارش شده است. قوه قضائیه تأکید کرده است که مطالب منتشرشده درباره سکنه این فرد، فاقد صحت است و براساس نتایج آزمایش‌های تکمیلی، بیمار قابلیت ترخیص داشته است. این نهاد در پایان نسبت به انتشار اخبار نادرست و تشویش افکار عمومی هشدار داد.»



ایشان نطق انتخاباتی می‌کنند؟» **محمد آقامیری، عضو شورای شهر تهران** خطاب به مهدی چمران، گفت: «وقتی ۳۰ ثانیه اول متوجه می‌شوید خارج از دستور صحبت می‌کنند اجازه ندهید ادامه دهند.» **میتهم مظفر، عضو شورای شهر تهران** با استفاده از کلمات نخب‌ما، گفت: «آقای چمران نگذارید در پایان دوره سیاه‌نمایی شود.» **آقامیری** تأکید کرد: «شهردار تهران یک نیروی انقلابی است که از همه بسیجی تر است. جانبا ز است.» این سخنان باعث شد برخی از اعضای شورای شهر تهران به او اعتراض کنند. **سید جعفر شریانی** گفت: «ما باید بر عملکرد شهردار تهران نظارت داشته باشیم.» آقامیری گفت: «چه ربطی دارد؟ نباید وسط حرف من بپرید. نظارت کنید. این چه نظارتی است؟» **سروری** فریاد زد: «تو چه کاره هستی اینجا؟ فقط نشست‌اید آن بالا و حرف می‌زنید.» احمد صادقی نیز به این گفته شریانی با فریاد اعتراض کرد. مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران برای مدیریت جلسه گفت: «می‌خواهید من صحن را ترک کنم تا شما دعوا کنید. از این به بعد راجع به این موضوع صحبتی نکنید.» این سخنان چمران کمی جلسه شورای شهر تهران را آرام کرد.

❖ نماینده شهر دار با نماینده مردم فرق دارد



سید جعفر شریانی، عضو هیئت رئیسه شورای شهر تهران پس از اتمام جلسه درباره تنش ایجادشده در شورای شهر تهران به هم‌میهن گفت: «آبان و آذر سال ۱۴۰۰، بنده در صحن شورای شهر تذکر و نطق داشتم و گفتم برداشت من در همین ابتدای کار این است که شهرداری تهران در حال تلاش است جنبه‌های نظارتی شورای شهر را کم‌رنگ کند و به محاق ببرد. آنچه که پیش‌بینی می‌کردم درست از آب درآمد. این برگرفته از تفکر شخص شهردار تهران است که در این بیش از چهار سال باروش‌های مختلف تلاش کرده به شورای شهر تهران و به‌ویژه منتقدان خود این پیام را بدهد که من فراتر از نظارت شورای شهر هستم. عده‌ای هم امروز از دوقطبی بی‌خاصیت صحبت می‌کنند، خودشان عامل شکل‌گیری این دوقطبی هستند و اتفاقاً باید بعدها در محضر تاریخ و در محضر خون شهدا پاسخ‌گوی عملکردشان باشند. این عده پیاده‌نظام‌های این تفکر در صحن شورای شهر تهران بوده‌اند.» او با اشاره به تنشی که رخ داد، افزود: «البته این اتفاق کاملاً به هم نیست و در دوره ششم مکرراً رخ داده و برگرفته از همین موضوع است. یعنی عده‌ای می‌خواهند از تفکر شهردار تهران حمایت و پشتیبانی کنند و در مقابل، عده‌ای می‌گویند ما نماینده مردم هستیم. نماینده شهردار بودن با نماینده مردم بودن تفاوت اساسی دارد. ما انتخاب کردیم نماینده مردم باشیم، از حقوق مردم دفاع کنیم. وظیفه ذاتی ماست که اگر ایراد و انحرافی وجود دارد را بیابن کنیم، برایشان چاره‌جویی کنیم و راه‌حل ارائه دهیم. اتفاقی که افتاد هم بر تکرار در همین راستا بوده است.» این عضو هیئت رئیسه شورای شهر تهران درباره ابغای آقای زاکانی پیش از شروع ثبت‌نام انتخابات شوراهای شهر و روستا، تأکید کرد: «به نظر من شهرداری تهران و حاکمانش به این نتیجه رسیده‌اند که در حوزه فعالیت‌های انتخاباتی باید به‌نوعی «سزارین» کنند. یعنی احساس کرده‌اند این اتفاق باید زود هنگام رخ دهد و به همین دلیل، به ایجاد کمپین‌های انتخاباتی اقدام کرده‌اند که فعالیت‌های پر حجم آن‌ها پوشیده نیست. منظور من از سزارین این است که یک پک بسیار حجیم و بزرگ را به‌صورت هم‌زمان در حوزه‌های مختلف کلید زده‌اند که با عجله آن را پیش می‌برند. من نگران کودک مدنظر دوستانم که با این سزارین زنده به دنیا نیاید.»

سمفونی خطوط

احمد عربانی



- پزشکیان:
۱. من نمی‌دانم چطور با ناترازی‌ها مبارزه کنم!
۲. دستور دادم همه خط‌های سفید را سیاه کنند!
۳. توزیع بنزین ضد عدالت است! / ۴. چند مگاوات کسری برق داریم!
۵. اگر باران نبارد مشکل خواهیم داشت!



نگاه پژوهشگر

تورم اسمی احزاب و خلأ نهادهای میانجی

نمادین از بر چسب حزبی، نتیجه این تکثر اسمی، پراکندگی منابع اجتماعی و سازمانی، دشواری در تشخیص بازیگران واقعی و کاهش کارایی عرصه سیاسی است. حزبی که شبکه سازمانی، بودجه شفاف و پایگاه اجتماعی نداشته باشد، نه نمایندگی واقعی ایجاد می‌کند و نه توان فشار بر سیاست‌گذاری دارد.

پیماد اجتماعی این وضع روشن است: افزایش بی‌اعتمادی عمومی نسبت به احزاب و سیاست نهادمند. مردم وقتی تجربه می‌کنند که احزاب به برنامه دارند، نه توان پیگیری مطالبات را دارند و به پاسخ‌گویی می‌کنند، به طور منطقی از کارآمدی حزب سر خورده می‌شوند. این واکنش، انتقاد به ضرورت تحزب نیست، بلکه نشانه ضعف نهادهی است. پیمادش اما خطرناک است: سیاست فردمحور، شبکه‌ای و لحظه‌ای تقویت می‌شود و پایه‌های سیاست مدرن فرسایش می‌یابند.

راه اصلاح این چرخه، ترکیبی از بازسازی درونی و همگرایی بیرونی است. گام نخست، تقویت واقعی ظرفیت‌های سازمانی احزاب فعال است: شفافیت مالی، ارتقای عضویت فعال، برنامه‌های عملیاتی و تربیت نیرو. گام دوم، اصلاح قوانین فعالیت سیاسی و انتخاباتی است؛ قوانینی که احزاب بی‌اثر را از چرخه حذف کند و احزاب فعال را ملزم به رقابت واقعی در انتخابات سازد. برای مثال، احزاب باید بتوانند در انتخابات سراسری لیست ارائه دهند و حداقل ۱ درصد آرای مأخوذه را کسب کنند تا حق فعالیت رسمی‌شان تثبیت شود. این کار هم انگیزه فعالیت جدی ایجاد می‌کند و هم امکان ارزیابی توان واقعی نمایندگی احزاب را فراهم می‌آورد.

حرکت به سوی ائتلاف‌های برنامه‌محور گام بعدی است. ائتلاف‌های واقعی می‌توانند منابع محدود را تجمیع کنند، پیام سیاسی منسجم تولید کنند و در بزنگاه‌های انتخاباتی وزن اجتماعی نیروها را به طور قابل سنجش نشان دهند. انتخابات دیگر فقط رقابت نمادین نیست؛ بلکه آزمونی برای توان نهادهی و اعتبار نمایندگی است.

سوال این است: آیا سیاست ایران می‌تواند از سطح شعار و اسامی عبور کند و به برنامه، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی واقعی برسد؟ پاسخ‌نگارنده آن است که تا زمانی که اصلاحات جسورانه و دقیق رخ ندهد، جامعه سرخورده باقی می‌ماند و احزاب صرفاً روی کاغذ و در تیتراهِ باقی می‌مانند و بازسازی رابطه میان جامعه و سیاست تنها با حرکت به سمت بلوغ نهادهی و همگرایی برنامه‌ای ممکن خواهد شد. مسیر روشن است: ارتقای کیفیت احزاب واقعی، حذف احزاب بی‌اثر و شکل‌گیری ائتلاف‌های شفاف و برنامه‌محور. این مسیر ظرفیت دموکراسی را بالا می‌برد و سیاست ایران را از سطح نمادین به سطح عمل، برنامه و پاسخ‌گویی واقعی منتقل می‌کند.



محمد شهریاری بناب

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

فهم سیاست مدرن بدون نهادهایی که پلی میان جامعه و حکومت، میان افراد و ساخت قدرت می‌سازند، دشوار است. حزب سیاسی تنها یک اسم ثبت‌شده در وزارت کشور نیست؛ سازوکاری است برای جمع کردن مطالبات، تربیت نیرو، تدوین برنامه و ایجاد مسئولیت‌پذیری. در غیاب این ظرفیت‌ها، آنچه «حزب» نامیده می‌شود، بیشتر یک پوسته حقوقی است تا نهادهی مؤثر.

حزب در معنای دقیق، مجموعه‌ای سازمان‌یافته از افراد است که حول قواعد و برنامه‌های مشترک گرد هم می‌آیند تا از طریق کنش جمعی بر تصمیم‌سازی اثر بگذارند. سه ستون اصلی کارکرد حزبی را می‌توان چنین بیان کرد: نمایندگی پایدار منافع اجتماعی، تولید برنامه‌سیاستی قابل ارزیابی و ایجاد مکانیسم‌های پاسخ‌گویی و تربیت نخبگان. اگر این سه رکن فراهم نباشد، حتی یک حزب با مجوز رسمی نمی‌تواند نقش میانجیگری و هدایت‌سیاست را بر عهده گیرد. ضرورت تحزب هم در نظریه و هم در عمل روشن است. احزاب هزینه اطلاعاتی رای‌دهندگان را کاهش می‌دهند و رقابت سیاسی را قابل فهم می‌کنند؛ مردم با دیدن نام حزب می‌توانند حدس بزنند چه سیاست‌هایی در انتظارشان است. از منظر عملی، حزب دستگاهی برای پرورش نیرو، شکل دهی به مسئولیت‌پذیری و تداوم برنامه است. بدون آن، رقابت سیاسی به سمت فردمحوری و انکای لحظه‌ای بر شبکه‌های شخصی و اقتصادی می‌لغزد. چنین وضعیتی هم کیفیت دموکراسی را پایین می‌آورد و هم افق سیاست‌گذاری را کوتاه می‌کند.

امادر ایران، گسست ساختاری عیان است: تعداد زیاد احزاب و وزن اجتماعی اندک بسیاری از آنها. نزدیک به ۱۵۰ حزب ثبت‌شده داریم که بسیاری از اعضای شورای مرکزی‌شان شاید سالی یک‌بار همدیگر را در دید و بازدید نوروزی ببینند. چنین احزاب غیرفعالی، جز داشتن بر چسب «حزب»، عملاً هیچ کارکردی ندارند. جامعه هم به خوبی متوجه‌ی تأثیری آنهاست. وقتی مردم می‌بینند این تشکل‌ها نه برنامه دارند، نه توان پیگیری مطالبات و نه سازوکار پاسخ‌گویی، طبیعی است نتیجه بگیرند که حزب لازم نیست.

این وضعیت محصول چند عامل است: الزام حقوقی برای ثبت تشکل‌ها، میل گروه‌های کوچک به داشتن عنوان رسمی و استفاده